

جای اداره کتبا

مدیر - غلامحسین کتانی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان ذیل باشد

فونم جنگل

هر چهارشنبه بیع و توزیع خواهد شد

گفت نمز و گفت شناسی

بگفت

۱۳۳۵

تشیخ اجرت لوامح و اعلانات

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نمیشود

در اشراک بجز تذکره و مکتوبات

قیمت اشراک

بجمله هفتاد

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامی است

آیا وجود ناقص به از عدم صرف است
کابینه محبوب ناپس از طی یک رشته زلزله و بحران
عموم علاقه مندین باین آب و خاک راستد
با خلال خود مینمود علی رغم آمال و وطن خوانان در
مطابق آرزوی بدبسیانیکه لزوم ترسم کابینه را
با انواع تفسط و لجاج جاهلانه ثابت میکردند
بالاخره بعضویت یک عضو فاسد (توام اسلفه)
اصلاح کردید !!!

گویم این فلسفه قانع شدند که امروزه با وضوح
فقدان خط الرجالی وجود ناقص به از عدم صرف
است در این مورد آیا

وجود ناقص به از عدم صرف است
در این جا ناگزیریم که عقاید خود را بخلاف اقوال
حکما با دلیل ساده عاری از اغلو طهای ادبی
ذکر نمایم

گرچه از گوشه و کنار میشویم که نسبت خست
قلم و حرارت خارج از برکت را بامید بندید
جواب این ایرادت بی مددک میکنیم که این
مترکات

بهمه تحمل بجا (با تحمل بیجا که خواری آرد بار غیر از
ذلت چه نفسی بر دم امروزت حق گوی ماکه
حق و جمع موجوداتش کو اهند جز طریق صداقت
و خدمت بوطن و ملت طریقی نه نموده پس از
چند سال اداره کی انزوا فرسوده کی مرض ابتلا
به بستر ناتوانی که هنوز هم گرفتاریم و فشارهای
جان گاه ادراک محیطی آزاد نموده آری
محیط آزاد یکه بخون جوانان ناکام ما بپرگ

نوهالان ما، بعدا کاری برادران دلیر، بهوای
روح پرور آزاد را واحد کرده محیط آزادی که
مالهای جان گذار ضجه های جگر خراش ما در آن
بی سپر، اطفال بی پدر، زنان بی شوهر خواهران
بی برادر، دلهای ساکنین آن خطه را کباب
میکند محیط آزادی که از شش جهت محاطه
دشمنان خارجی و خائنین داخلی و محمل تعهد
دوستان نادان جاهل کرده محیط آزادی که
بافتد آن همه ادوات انقلابی با محذورات حیرت
آردی که فقط باید دید و نصیب شخص آزادی نمود
و آنرا که

با نیروی و نیزنگ و تهدید و هزاران تربیات
آورد با دست بشفافان ایرانی و قلم حق تلخ بی
و جذبه های دین فردش با مغلطه های ضد حقیقت
با بطل با وزارت توام السلطنه با میخوایند بوی صبا
آزاد از اسبوم نمایند در این چنین محیطی که کجایان
یک عده از جان گذشته خیانت خائنین و
آترک های غدارانه دشمنان وطن و دین با آنکه
شولست اثرات سوء خورد و آنجا نفوذ دهد.

علی در محله طبری با کوزه که منور به میان تهنیت
گوناگون ستمش میدارند و گر چگونه خود در می کشیم
جان از ذکر حقایق که بر حقیقت طلبان گرفتار
تقیه و جوب ذکر آن را مصدق و منتظرند که چون
ما فعلا آزادییم و آزادانه باید بگویم بنویسیم چشم

چشمیم
بچه امید با زبیم ترکلت بر خط را که کلبه خرابها
ملکت بلا دیده ما از آن ناشی گشته شعار خیرش
قرار دهیم

امروز که قلم ادبایی حریت پرور و نویسنده کلان
صالح با هنر و آن خامر گران بهمانیکه با یکدیگر نیا
انف در تحت تصنیق و فشارهای طاقت فرسای
اجانب و اضرار غداران ایرانی محدود کرده
و قادر نیستند مردم بدبخت ایران را کاللا بر طا
نشان آگاه کنند

آیا در همه روزی وظیفه ماینت که معقب
نات حسنه آن فرزندان خلف وطن با میان آنکن
خود سخن سرانم دانچه را که تهدیدات خارجیته مانع
است بگویند بگویم
بگرانه اینکه تمام ایران گرفتار این زمین تجاوز و

ظلم تجاوزین داخلی و خارجی است ولی ما را عجمان
تا بعد با این همه دشمنان این است چه شود محلی مغلطه
از تعرض بیگانگان و بد کرداران غیر گشته دین
موقع و در این محل نباید مردم را آگاه نمایم؟
زهی بوجدانی و خیانت که در همه وقتی هم در
زاویه سکوت و خاموشی خریده امید داریم
که با فروتنی و محافظه کاری و عجز و مسکنت و اهلنا

پچاره گی مورد ترحم دیگران کردیم
نه چنین است با میگویم بنویسیم باکی از
ایرادات توبه میان دور از حقیقت ندارم
ما وظیفه خود را ادا کرده با صد فیصد است کله
حق را بگریز میکنم و باین دلیل مختصر با جمله گویم
ثابت میکنیم که عضویت توام السلطنه ترمیم صحت

نیت در این جا
وجود ناقص به از عدم صرف نخواهد بود
باین دلیل - حرثات مودی سباع شماره
در عالم خلقت وجودند و وجود (بما هو وجود)
خیر محض است ولی برای اذیت و ضرری گزار
وجودشان در اجتماعات بشری وارد میشود
بغضو امی عقل وجودشان مضر عدشان از
وجود بالبدیهه و نشان واجب است پرورش
دادن امی در استین مجاورت با حیوان زنده
مصحابت با عفرت کننده با مضرات محسوسه
آنها با اسم اینکه وجود ناقص به از عدم صرف است
غلط محض و فاعل یک چنین فعلی را بی شبهه باید
مخل الشعور و بکلی از دانش دور دانست امروز
وجود توام السلطنه و برادر والا کهرش در توفیق
الدوله بلیک عده از عزیزان بی حیثیکه گویند

با کش ایران
شرعی سپردند
وزمانداری
همان سبب
اجتماعی و ستم
بعلاوه این
مخاطرات و
کرده و دانسته
اما برای
خاطر خواهی
روزه که تقریر
کرده بلکه تقی
فاروق نام
مزاج ثابت
مگر همین
اسلافشان
شوند
ناخلف با شمر
تاریخ ایران
منصفانه تواتر
چندین نوبت
خیانت و بد
معایب ناگفته
همان اثرات
که ممکن است
خرابی های طایر
کامینه
و احتیاجش

عاشق
مجلس
دین
نام
مرد
واریوم
ت و اهلنا

باکی از
رم
کله
معنی
کوب
ترسیم
و

و اید بود
سباع خاره
هو وجود
رری گار
ار و شود
شان از
ت پرو
عوان دیده
ت محو
م صرف
شبهه
نت امروز
س دونق
تیکه گویا

باکش ایران رقت و عبودیت خود را بمانند
شرعی سپردند با نظر نطنجی در افعال زمان ربات
وزمانداری آنها واضح میکند که وجودشان مانند
همان سباع خاره و مکروههای مؤذنه مضره
اجتماعی و ستم فیلک روح ملی ما هستند از وجود
بعلاوه اینکه نفعی مشاهده نمیشود ای بسا دچار
مخاطرات و مهالکی هستیم که بهی در همه حال حس
کرده و دانسته ایم.

اما برای فساد اخلاق اغراض شخصی، جهل نفاق
خاطر خواهی و دوستی و یا محافظه شغل و مقام و
روزه که تقریباً حق التکوت میدهند صرف نظر
کرده بلکه تقویت و حمایت میکنند ستم قائل را بر
فاروق نام نهاده مکروب تل را از لوازم صحت
مزاج ثابت مینمایم.

مگر همین توأم السلطنه و برادر گرامی او متابعت
اسلافشان که بدون تعارف و ریا مصداق این
شوند پدرم روضه رضوان بدو گندم نفوذ
ناخلف باشم اگر من بجوی نفروشم صفیات
تاریخ ایران را نجات های صریحی که گمان ندارم
منصفانه بتوان انکار نمود لکه دار کرده اند در
چندین نوبت زمام داری خود چه اثری جز ارباب
خیانت و بدکاری و وطن فروششی عارت و بیزار
معایب ناگفتنی بیاد کار گذاشتند که امروزه
همان اثر را تریب اثر داده و جدا تا تصدیق نمود
که ممکن است از وجودشان بعد از ابروی اصلاح
خرابی های طاریه منتفع گردید؟

کابینه چه نقشی داشت؟ در صورت نقص
و احتیاجش برسیم آیا وجود توأم السلطنه چه گونه

مصلح و معالج آن نواقص خواهد گردید!
ما بر ضد عقاید خود که کابینه آقای علاء السلطنه
تقدیس میکنیم) فرضاً کوه نظران مخر را تصدیق
کرده فساد کابینه را تسلیم نمایم علاج آنرا آیا بصیرت
توأم السلطنه انصافاً علاج فاسد باشد یا نه نامید؟
حالتی که وزارت ایران ملک حلال و حق
بیر ذال بکیده که قطر شکم استخوان پوسده
اجداد و الا تبار خود با تجلاتیرا که نجات و وطن
فروشی و شاز لانی و کردارهای مخرب و با
وانسانیت حاصل نموده اند گردیده ما تقصیر
در بین این کرگان آدمی صورت که همه ملتفتا
تاریخی را شنیدن یک کلمه حضرت ائمه
و با مختصر تعارف دوستانه یکی از سفرای دولت
مجاوره یا ما خداندک رشوه که آنهم در یک شب
صرف شهوات ناموس بر باد ده آنها میشود
چیزی شمارند چند نفری که معنی وزارت را خدمت
بوطن دانسته اند زمام امور مملکت و ایران
ما را در این موقع بحران امروزه دنیا و حریق
عالمگیر جنگ بین المللی و مبارزه حیاتی ملل
عالم که هر ملتی بانی صبری و شتاب در فکر استوار
از این بچرانند در دست بگیرند آنوقت این
مزدوران اجانب و این خائضی که وزارت
را حق خود می بیند ازند با تحریکات خارجی هر روز
بیک تریبی ننگین با شکان تراشی و تولید اغتشاش
خار راه اصلاحات شده بقوت یگانگان کابینه
را مجبور با استعفا نموده اگر نشد با ستم ترسیم ملی در
از خائضین را ضمیمه وزاری امین نموده و با این تصمیم
که مانند مرض مبرم شفا قلوبس سید با برت

میکنند اعضا، عاقله را بی ثمر و همه را فسخ و خستی که آشته
رفته رفته کابینه را منحل و بجای آنها همین خائنین
بد عمل و پیش قزاول استیلا و تجاوز بگماگان
جالس منذ وزارت گردیده میکنند آنچه را
تا امروز کرده اند و دیده ایم.

چگونه می توانیم خود را فریب داده متقاعد
گردیم که توأم السلطنه تبعهات خود باید ارکشته
و در رویف و زری صیج العمل مشغول اصلاحات
ملکیتی شده و وظیفه یک نفر وزیر باشف را
ادا خواهد نمود.

زیرا امتحانات عدیده که در زمان وزارت
های متعدده خود (مالیه، داخله، جنگ، داد)
و محضر نمونه اعمال او بنای عماراتی است که بنها
شهادت میدهند این وزیر ایران پرستی
وزارت را خوب مسوق گردیده و کاملاً عهد
بنماید (قبول کاران میزرای امیر کبیر حاصل می
سال سلطنت معتبه من در تمام ایران یک
باغی است که توأم السلطنه با بهره چهار سال
وزارت خود در زمان مشروطیت خواهد خریداری
کند)

چون رشوه و فساد در ایران تقریباً همی
پیدا نموده این جمله را هم از معایب این وزیر
مخترم محسوب نمیکند افعال دیگرش که ذکر آنها
ما را از ذکر مقصود باز میدارد و شاید لزومی در
تذکار آن نباشد بباحق میدانیم که با بکار خود
ثابت بوده و او را در کابینه حاضره عضو فاسد
دانسته و وجودش را با موجودیت نقیضه های
اخلاقی و دیانتی به از عدم صرف بدانیم.

گو یا فراموش کرده ایم کابینه اخره آقای مستوفی
الممالک که حقیقتاً تاریخ ایران ثبعتانیت عملیات
آن کابینه میتواند افشای کند بعضویت دوزیر
فاسد بد عمل (فرمانفرما، سه سالار) فایده آخر
الامر ساقط گردیده این همه خرابیها و قتل و غارت
مانیکه در ایران شده و هنوز هم میشود و مشاهده
میکنیم از اثر انضمام آن دو ضمیمه و یا آن دو وصله
ناجور است.

مطوره ای حوادث ماضیه که امروزه با طرز غیر
قابل تقریری در انظار ما عوض اندام نماید عجایب
تمتیه مانده، باز هم غافلانه خود را تسلیم می دهیم که
شاید در آینده بر خلاف گذشته رفتار کنند.
با احتمالات قطعیات را رد می کنیم محسوسات را
منکر میگردیم و برای تنگی قافیه همین کلمه مثبت
میویم که

وجود ناقص به از عدم صرف است
در حالتیکه خائنین عدیشان به از وجود میا
با یکدیگر تا اثر و تا منف این پرده جدیدی را که
اکتورهای ماهر خارجی بتای بازی گذشته از تما
ش میکنیم با اتفاق نصف مردم ایران در نصف
دیگرش بر غنمت قطنی و گرسنگی تلف شده و از
این فرمان رویان بی دیانت عاری از مرد
خلاص میوند) با نظاره ظهور حوادثی هستیم که از
این حسن انتخاب البته موافق میل اجانب ظاهر خواهد
شد پس از چند روز دیگر وزیر دیگر هم با فساد
خارجی مستغنی و ثوق الدوله نیز یکی از وزارت
خانه ها را اشغال نموده بتدریج سایر منظر نواره
نیکه مثل گرگ گرسنه در من باز کرده اند بازرد

شماره هفدهم
ایشان نایل
را بعنوان
کرد
مادر مقاد
بشری قادی
باش بد مقاد
و خط آزاد
یا جان بر
می میسریم
بانیگ
مخاطب است
که در رس
برزگوار خود
که در حکومت
هم پس از غن
فامیل مختار
بلوث و
خواست
عم گرامی
غیره تاریخ
سایر آثار
روز جمعه
یا تهدیدی
بیت و
خود بعمارت

سوفی
عمیلت
دو وزیر
بابه آخر
تل و عارت
و مشاه
وصله
طرز غیر
عجا ابا
سد هم که
رکنند
ت را
شبت
ت
جو مبا
سی را که
شته از تما
که نصف
شده از
ی از مرد
ستم که از
ظاهر خوا
م بازاری
وزارت
مظنون
اند باز

ایشان نایل و بقیه ملت فلاکت دیده ایران را بعنوان اسارت ابدی تسلیم بیگانگان خواهند کرد

ما در مقابل این سیلهای بلا بقدری که طاقت بشری قادر بعبده داری است مقاومت نمودیم ما شایسته مقصود را (که دفع استیلای اجانب و حفظ آزادی و حریت است) در آغوش کشیده ایم جان بر سر این کار میگذاریم بنام نیک می میسریم و زندگانی ننگین را مانند این زندگانان بانیگ کشیدیم پانیریم

بگرفته بنام به که صد زنده بنگ
وقایع شهری
یک جوان شرف

مخاطب السلطان برادرزاده مغایر - الدوله که در سس و طخواهی و ناموس اخلاقی را از غم بزرگوار خود تحصیل کرده بعلاوه ردالتها که در حکومت عم و معاونت خود نموده و بدین هم پس از غل با پرروئی و سماحتی که مخصوص فامیل محترم ایشان است دار الحکومه شریف بلوٹ وجودش بلوٹ میداشت این اوقات خواست خیانتهای سابقه خود را تکمیل و بمبا عم گرامی خود که در تبریز در سس مل احمی و غیره تاریخ درخشنده را جایز است از برای افق سایر آثار خبیثه خود در کیلان سا و کار بگذارد روز جمعه سلسله محترم فی آنکه از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید و در نظر صاحب منصب بیت و تحقیر سالد روس را باسم مخالفت خود بعمارت حکومتی آورده و منزل داد

این حرکت در تمام شهر انعکاس مسمی پیدا کرده شهر متزلزل و قریب تعطیل عمومی گشته و نزدیک بود کار بخرسکا هی نازکی شود آقای عزت الله خان نماینده محترم بیت اتحاد اسلام که فعالیت و رفتار عالی اش بخدمات و تقویت سابقه اس روشی تازه بخشیده بفوریت از بهمان اهالی حلول کرده با قوتو لگرمی و ریاست قشون دولت و موکراسی روسیه داخله کرده گردیده تعجب در اینجا است که قوتو لگرمی در این قشون یکسره ازین حرکت بی اطلاع بگذاشته صاحب منصب و سالدها را از عمارت حکومتی امر باخراج نمودند و آنها نیز خارج اهالی از اضطراب خاطر و بهمان آورده شدند

بودند

مخاطب السلطان بی وجدان که موفق باین نیت خائسانه خود نشد با جار حرکت را بتوقف ترشح داده عازم طهران گردیدند اتحاد اسلام ملاحظه اینکه این جوان عاری از حب وطن و از برای رنجی از طرف دولت بود از مجازاتش اعراض نمودند و منظر عم که دولت علیه بساداش این خیانت بزرگ معاونت و لایقی را برای او نقص دانسته مستقلا بکومت ولایت و کمرش منصوب کنند زیرا تا امروز هر فائنی از هر نقطه بمرکز ورود کرد و بعد از ثبوت خیانتش بار تقاضای درجه عالی نا عمل گردید

اگر مجازات در مملکت کار فرما بود ایران ایرانیان بد بخت بچین روزی مصادف

نی شدند

عجب تر نطق قول دولت فخره انگلیس است که خیلی مختصر در این مورد و ایراد نموده که باز و با تفصیل در نمره آتیه خواهیم در این موضوع مذاکره نمود.

تظلم امانی رشت

حضور محترم اسنا، معظم هیئت اتحاد اسلام دست نصر تهتم.

بدینجی است که از آغاز تجمع تا کنون انحاء فدکاری از برای حفظ استقلال این مملکت و صیانت نوامیس اسلامی مبذول داشته اند و همه قسم زحمات و صدقات فوق العاده از برای رفع ایادی ظلام جابره و قلع شجره استبداد و طغیان متحمل شده اند البته نتایج عملیات خالصانه آن هیئت مقدسه در پیکانه یزدان پاک و بزرگان دینی و ذوالاحسان ملی محفوظ و شایان بسی تجید و تقدیس است و این اقدامات صیما نه علاوه از آنکه سر مشق بندگان از برای وطن عزیز است موجب یکدینا شرا تاریخی از برای بر ایران دوست و سلام خواهد نهایت قابل تشکر و تقدیر است چنانچه نظرد اوضاع کنونی این بلد با نفوذ جانب و شرک مفیدین داخلی بخوبی همه امانی واضح میباشد که حفاظت اموال و اعراض و نفوس خودان از حسن نیات آن انما، مقدس است و راضی و آسایش سکینه این بلد را با نامد محمده عمل الله فرجه از توجهات کافیه آن دولت محترم میدانم شکرانه لمن نعمت را فرض و در خودمان

ابنا.

دانسته و میدانیم محض تکمیل نواقص این نظام شهر لازم دانستیم که مطلب ذیل را خاطر نشان انما، هیئت مقدسه بنماییم.

چندی بود امانی از رفقا خانانه معاصر الدوله در زحمت و فشار بودند تا اکنون موقتا از شر و فتنه اور بخت شده ایم بدستخانه ادلیا امور بعد از حرکت او تا کنون عطف توجهی بطرف کمالا نموده اند با چنین اهمیت موقع مدتی است اعزاز حاکم صحیح العمل را از برای رشت با اینجه در خواستها متوالیه نفرموده اند.

مخاطب السلطان که بقیه از سنات افعال شایسته است از نمره آن شجره و مربی تربیت آن خان بوده این اوان وقت را غنیمت دانسته و جاه اسبه در میدان خیانت و تضعف حقوق امانی است و تا نمیکند نه در اجراء او امر دولتی کفایتی و نیز در احقاق امانی امانی و نه در نظام و حفاظت بر امانی حقوق

شهر جدیت و صمیمیتی داشته و دارد سهل است همه وقت بقیش و بافاد و اختلال امور است گامشته و دو اسبه نیاز در صورتیکه مقام حلوتی رشت نه قبول و ارثی این خانواده است

(هنوز زمان دولتی صادر نشده است) و نه حسن کفایتی در اینها مشاهده شده است که دولت متبوعه حرف نظر از اینها را رقم شمارد و نه آیه و روایه بر وجود حکمرانی این فامیل نازل گردیده است که امانی مجبور با طاعت و ایجاد این جماعت خائن شوند

لذا اضطرار آشرفی بهیئت معظمه وزیر اعظام دامت شوکتهم از سو در رفقا مخاطب و مفا

خر و اعزام یک سواد آن عین ملاحظه فرموده هیئت استخبار کتیم نظری هم فتنی گو میرجمتی زحمات اقامه فرماید تا را و بو طایف مملکت هیئت محترم ثلثت آمیز در قضیه بایله احساسات و ابراز فرموده بقای سلامتی و نیز امید نوعیه توقیفار امده اقدامات وطن رشید الممالک محترم ابل طلیل اتحاد اسلام امیر عسایر برای مخابره نمودید رشید ایران

خرد و انعام یک حاکم صالحی را بخابره نموده ایم که
 سواد آن عیناً در لف پاکت است خواننده
 ملاحظه فرمود و لازم شمردیم که از آن مقدسه
 جهت امتحان اسلام را هم مستحضر داریم و استعدا
 کنیم نظری هم بامور مملکت شهرت بفرماید
 فنی و میرحمتی برانالی که داشته همگی را از شر و
 رخسار آقای حاجی مفاد خرد و مخاطب رحمت
 فرماید تا راحت الحال و مرده البال بدعا گونی
 و بوظایف مقرر خودمان مشغول شویم
 دوست و گوند و یک امضا

تلگراف

بهیت محترم اتحاد اسلام و هیئت توفیقانم تلگراف
 تلیت آمیز که حاکی از اشتراک آن بهیت محترم
 در قضیه نایله بود بلا نهایت موجب نزدیکی
 احساسات صائبه و حسن ظنی که در این موقع
 ابراز فرموده اید شایان کمال تقدیر و موفقیت و
 بقای سلامتی آن بهیت محترم را همواره خواهیم
 و نیز امیدوارم افراد دولت به خدمات
 نوعیه توفیقات کامله حاصل کنند
 تحفظی بختیاری

استننان

اقدانات وطن پرستانه آقای امیر عشار و آقایان
 رشید الممالک و سالار خاقان و سایر خوانین
 محترم اهل طلیس شامون که متحدین محترم بهیت
 اتحاد اسلامند و مخصوصاً تلگرافیکه اخیر آقای
 امیر عشار برای مساعدت و تادیه قروض دولت
 مخابره نمودند تشکر نموده به هم عالیته این فرزند
 رشید ایران آینه درخشنده را امیدواریم

بزرگان مملکت را متوجه باین تلگراف نموده
 بنیت پاک آقای امیر عشار و سایر خوانین محترم
 تاسی بسته دولت را از زیر بار قروضی که با
 شرایط خانه برانداز متحمل است رحمت نمایند.

ملاقات

ریاست قنون دولت و موکراسی روسیه مقیم گیلان
 با عده از اصحاب منصبان محترم روز یکشنبه دوم صفر را
 اظهار دوستی و صمیمیت بازار جمعه تولد و درود نموده
 طرف بهیت اتحاد اسلام و فرزند غبور ایران آقای
 میرزا کوکاخان و آقای حاجی احمد آقا
 نامور پذیرائی گردیده با احترامات و تشریفاتیکه در خود
 این میهمانان محترم بود پذیرائی کردند

عصر چهارم روز پس از ختم مذاکرات و دستاویز معاهد
 بشهر نمودند شرح این ملاقات و اسامی میهمانان را
 در نمرات بعد مفصلاً بعرض قارئین میرسانیم

ادبیات گیلکی

ای براران اسی بر آران فدو بانید دکان ستر
 تا گویم من شمه زره چه با مو یا ایران ستر
 آینه وطن خائنین سعی بکده تا که بنو
 خاک سیانجی آینه ایران ستر طهران ستر
 کابینه پی بهم بزد وزیران عوض کده
 قوام السلطنه بنیت باز با و مکلن ستر
 وزیر داخله بو خاک به اتو وزیر ستر
 ایران کار و خرابه بشد شمه کاران ستر
 بشد و چته روز دگر و اگر دید بایل و کلنگ
 تا همگی ایجا بشیم کیره کورستان ستر
 ایران قبر بکنیم آینه اتحاد ستر جو انیم ستر
 تحویل الخلیس بنده از فارتس تا گیلان ستر

مهرم

ای انگلیس ای انگلیس تیره دور دور و این
 هر چه تی دین دیره باور شیر زر کرمان
 اگر تیره بازو زوز دیره تیره دانی تو پهلوان
 چو تیره زوز تیره خراج مذی اطرش ایان
 ضعیف گشته خوب تو دانی مظلوم خفگی بهتر
 آفت چیره ناری بگبار دوز ترکان
 اما تو خاطر جمع ببو تا جنگین زنده این
 تیره و اما کن تا بی آن خال تو شروان
 ایرانیان ایرانیان بهت کینه بهت کینه
 گر انگلیس دس بیایه ملک کمان
 مثل منهدستان آمد را خوار و دلیل خویز کن
 آهه رانینه آخیز بر مضر پالو عمان
 ای براران بایند بایند توب و تفکد باوریه
 اما فوزگان بزیم آن دشمن انسان
 یا کار با کیره بو یا بهر کشته بهیم
 یا آینه دسه کوتا کنیم ایران و هندستان
 چسند چسند
 دولت

اگاد می جنگل برای ربودن یک اشرفی مردگانی
 مشغول تفحص کتابهای لغت است بالاخره خواهد
 یافت البته نا امید شیطان است

مکروب

از مجلس حفظ الفقه خبر میدهند با زگی از داد و فریاد
 و گرسنگی ایالات و ولایات در مرکز مکرودی تولید
 شده که اغلب از حال را مبتلا به نقل سامعه کرده است

توضیح

آقای مخاطب السلطان در خصوص خواستن
 میت و پنج نفر سالدات در دار الحکومه توضیح داده است

که راجع با مهورات داخله نبوده بلکه برای بند و اندرز
 و تشویق ایشان بوده که در این موقع بار یک از
 حکومت موقتی روسیه که طالب دوام جنگ
 میباشند سپر سحری و ترمز نمایند
 دشت و اضطراب مالی رشت از جهالت است
 تجهیرات

پنجشنبه میت دهنم محترم آقای مخاطب السلطان
 باز همی فوج سعور را با عده از اوقامای ایرانی در
 دار الحکومه جمع نموده و مخاطب ساخته و دستور
 میدهند که برای کمک و معاونت بفرونت
 ایتالیا اعزام گردند صاحب منصبهای فوج
 مذکور برای تهیه لوازمات تا بعد از خاتمه جنگین
 المللی مهلت خواستند.

حق شناس

جوانانی میشد که برای پاس زحمت دولت فخره
 انگلیس در حفظ ملل صغیره بلیس جنوب شده اند
 دولت خواهی

تبی گد اشتن انبار دولتی از گندم و جمع کرد و محصول
 از صحرا از یکفایتی آقای حاج محشم السلطنه نبوده بلکه
 از احتیاط و دولت خواهی بوده که مبادا مردم
 از بیک گرسند و پرباشند هجوم آورده آدوغه را
 تاراج نمایند.

عصه خورد یکسینون از راق جبران خواهد کرد
 صنایع مستطرفه در وطن ما ایجاد یک مصور
 ماهری شده که تصویر خادمان مرده را با احتمال
 خاشاک زنده در یک تابلو جلوه میدهد قسمی این
 هنر انجیل کرده که قارین و ناظرین و تماشاچیان
 مرده را از زنده و جان را از فادام تفرزند